

The Transition from the Position of Writing as a “Job” to the Position of Writing as a “role” for Professors of Social Science in the Digital Situation

Hamed Taheri Kia

Assistant professor, Department of Communication and Cyberspace Studies, Institute for Cultural and Social Studies, Tehran, Iran
Kia.erhut@iscs.ac.ir

Abstract

The digital situation and social networks have introduced a new communication system and created different value hierarchies compared to the pre-digital era. One of the most important new forms of communication system values in the digital situation is the possibility of expressing ideas and feelings and publishing them with the help of social networks. Different modes of expression are provided by digital technology. One of the most historical ways of expression that has changed in its functional forms in the digital situation is the position of writing. The writing position is one of the main modes of expression in the digital situation. Therefore, when the position of writing for a professor of social sciences in a series of occupational and administrative values in the university, in the form of academic writing, is a job necessity, then the position of writing from society for society in social networks for the professor of social sciences becomes a position of playing a role of the popular intellectual. Therefore, the main aim of the article is to form concepts that explain the new position of writing in social networks by a social science professor who is a member of the university faculty in the link between writing as a necessity of a job and an administrative position to writing as a role of a popular intellectual. Based on the conclusion, in the digital situation where it is possible to write and publish at the same time through social networks, the professor of social sciences takes the position of writing-publishing. The position of writing-publishing is related to the post-print era, which provides social science professors with the will to write and publish, and the possibility of writing about society for a large and diverse audience is created. By playing the role of the popular intellectual, the professor of social sciences provides the possibility of propagating the sociological imagination to create awareness of the state of society and this earns the credit of contemporary living for the professor of social sciences.

Keywords: Digital, writing, professor, social science, social networks.

گذار از موقعیت نوشتن به مثابه «شغل» به موقعیت نوشتن به مثابه «نقش» برای اساتید علوم اجتماعی در وضعیت دیجیتال

حامد طاهری کیا

استادیار، گروه ارتباطات و فضای مجازی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران
kia.erthu@iscs.acir

چکیده

وضعیت دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نظام ارتباطی جدیدی را معرفی و سلسله‌مراتب ارزشی متفاوتی را در نسبت به دوران پیشادیتال ایجاد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین شکل‌های تازه ارزش‌های نظام ارتباطی در وضعیت دیجیتال امکان بیانگری ایده‌ها و احساسات و نشر آنها به کمک شبکه‌های اجتماعی است. شیوه‌های متفاوتی از بیانگری به واسطه تکنولوژی دیجیتال فراهم شده‌اند. یکی از تاریخی‌ترین شیوه‌های بیانگری که در وضعیت دیجیتال در شکل‌های کارکردی‌اش تغییر به وجود آمده موقعیت نوشتن است. موقعیت نوشتن یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های بیانگری در وضعیت دیجیتال است. بنابراین وقتی موقعیت نوشتن برای یک استاد علوم اجتماعی در سلسله‌ای از ارزش‌های شغلی و اداری در دانشگاه، در قالب نوشتار آکادمیک، یک ضرورت شغلی است، آنگاه موقعیت نوشتن از جامعه برای جامعه در شبکه‌های اجتماعی برای استاد علوم اجتماعی تبدیل به موقعیتی از ایفای نقش روشنگر مردمی شده است. از این رو، هدف اصلی مقاله شکل دادن به مفاهیمی است که موقعیت جدید نوشتن در شبکه‌های اجتماعی توسط استاد علوم اجتماعی عضو هیئت علمی دانشگاه را در پیوند بین گذار از نوشتن به مثابه ضرورت موقعیت شغلی و اداری به نوشتن به مثابه نقش یک روشنگر مردمی تبیین می‌کنند. بر اساس نتیجه‌گیری، در وضعیت دیجیتال که به واسطه شبکه‌های اجتماعی امکان نوشتن و نشر، هم‌زمان، بر عهده استاد علوم اجتماعی می‌شود او در موقعیت نوشتن نشر قرار می‌گیرد. موقعیت نوشتن نشر مربوط به دوران پساجاپ است که برای استاد علوم اجتماعی اراده معطوف به نوشتن نشر را فراهم می‌کند و امکان نوشتن از جامعه برای مخاطبانی انبوه و متکثر ایجاد می‌شود. استاد علوم اجتماعی با ایفای نقش روشنگر مردمی به واسطه نوشتن امکان نشر تخیل جامعه‌شناسی را برای ایجاد آگاهی از وضعیت جامعه فراهم می‌کند و این اعتبار زیستن معاصر را برای استاد علوم اجتماعی به دست می‌آورد.

کلمات کلیدی

دیجیتال، نوشتن، استاد، علوم اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی.

۱- مقدمه

علوم اجتماعی هم مانند تمامی دیگر رشته‌های علوم انسانی بیش از هر چیز به شدتی از نوشتن نیاز دارد. علوم اجتماعی را باید آزمایشگاهی دانست که در حین نوشتن شکل می‌گیرد و امکان تولید دانش را فراهم می‌کند. موقعیت نوشتن در علوم اجتماعی موجب می‌شود تا زبان تخصصی درباره زندگی اجتماعی به وجود آید و موقعیت نوشتن به تخصصی برای تولید دانش پیرامون زندگی اجتماعی تبدیل می‌شود.

اما همان‌طور که اشاره شد موقعیت نوشتن یک موقعیت تکنولوژیکال است و ابزارهایی برای نوشتن لازم است که این ابزارها امکان تبدیل موقعیت نوشتن به یک موقعیت رسانه‌ای را ایجاد می‌کنند. بنابراین، با پدید آمدن نیروهای دیجیتالی در تولید موقعیت نوشتن ما با ایجاد تحول در تولید و ذخیره‌سازی و نشر ایده‌ها مواجهیم که برآیندی از موقعیت دیجیتالی نوشتن هستند. نرم‌افزارها، اپلیکیشن‌ها، سخت‌افزارها، پلتفرم‌ها، و شبکه‌های اجتماعی نیروهایی متفاوت برای نوشتن در وضعیت دیجیتال هستند. پس به واسطه پدید آمدن چنین نیروهای جدیدی موقعیت نوشتن در وضعیت دیجیتال برای علوم اجتماعی شاهد چه تغییری بوده است؟ این پرسش اصلی است که مقاله حاضر

موقعیت نوشتن با تولید علم پیوند تاریخی خورده است. نمی‌توان پیشرفت علم را در تاریخ بدون در نظر گرفتن موقعیت نوشتن در نظر گرفت. موقعیت نوشتن را باید در شرایطی از پیچیدگی بین ثبت ایده‌ها و نشر آنها دانست که، در این میان، موقعیت ذخیره‌سازی و انباشت دانش هم به ویژگی و ضرورت نوشتن ایده‌ها اضافه می‌شود. موقعیت نوشتن به مثابه تکنولوژی برای تولید بایگانی‌های علمی عمل کرده است (Barker, 2023: 13). برای تکنولوژی نوشتن قلم و کاغذ ایجاد شده است؛ کاغذهای سفیدی که زبان نوشتار بر روی آنها ایده‌ها را ثبت و ضبط کرده است. برای تولید دانش به انباشتی از کاغذها و کارکرد بسیاری از قلم‌ها نیاز بوده است و تحول در نوشتن را باید در دفاع از دگرگونی‌های علمی دانست.

از این رو، دانشمند علمی نمی‌توانسته است با کار نوشتن آشنا نباشد و بیش از هر چیز باید با شیوه نوشتن در رشته‌اش آشنا باشد. هر رشته تخصصی علمی شیوه‌هایی از نوشتن را ایجاد کرده و زبان تخصصی را پدید آورده است.

طرح شدند تا امکان آشکاری فعال شدن موقعیت جدیدی از نوشتن برای اساتید علوم اجتماع فراهم شود. موقعیت نوشتن در وضعیت دیجیتال در نسبت با موقعیت نوشتار آکادمیک قرار گرفت و در این رابطه امکان فهم موقعیت جدید نوشتن در وضعیت دیجیتال به وجود آمد. بر این اساس، شیوه تحلیل داده‌ها مبتنی بر خلق مفاهیمی است که موقعیت جدید نوشتن برآمده از تکنولوژی دیجیتال را برای اساتید علوم اجتماعی تبیین می‌کنند. با توجه به محدودیت اندازه و حجم بسیار محدود مقاله از میان نقل قول‌ها فقط به تعدادی اشاره شده است. همچنین، برای پرهیز از آوردن نام و نام خانوادگی اساتید، اسامی در قالب شماره آورده شده‌اند.

۳- چارچوب نظری

در این مقاله ما رویکرد متفاوتی را برای تدوین چارچوب نظری در پیش می‌گیریم. ما به جای پرداختن و بسنده کردن به یک یا چند نظریه در تلاشیم تا به واسطه خلق مفاهیم درباره موقعیت نوشتن به شیوه‌ای نظری تفکر کنیم. تفکر به واسطه مفاهیم موجب می‌شود تا قبل از ورود به قسمت انضمامی مقاله ما در موقعیتی انتزاعی درباره موقعیت نوشتن تفکر کنیم و سپس این موقعیت انتزاعی را در پیوند با موقعیت انضمامی تحلیل داده‌ها قرار دهیم.

موقعیت نوشتن را باید پدیده‌ای تاریخی دانست که با پیدایش و تحول زبان در پیوند بوده است. تحول زبان و دانش به ایجاد زبان تخصصی منجر شده و موقعیت نوشتن تخصصی از آن به وجود آمده است. اما نوشتن علاوه بر جنبه‌های تخصصی آن شکلی از ارتباط انسان مدرن با خودش و با دیگری بوده است. فوکو (۱۹۹۷) به موقعیت نوشتن در شکل‌گیری دوره مدرن توجه می‌کند. از نظر او نوشتن امکان دوباره خواندن را به وجود می‌آورد که نویسنده و خواننده آن هر دو یک نفرند. نویسنده درباره لحظاتی در میان احساسات و افکارش می‌نویسد و در زمانی از آینده به آن بازخواهد گشت و آنها را مرور خواهد کرد و مرور کردن عمل به یادآوردن و زنده کردن خاطرات و احساسات گذشته است. بنابراین نوشتن «نه برای آشکار کردن چیزهای مخفی، نه برای گفتن ناگفته‌ها، بلکه، برعکس، برای جمع‌آوری چیزهایی است که هم‌اکنون زده شده است، برای جمع‌آوری چیزهایی است که یک نفر توانسته تا آنها را شنیده و دیده باشد، و در پایان این چیزی بیش از در برگرقتن خود نیست» (Foucault, 1997: 273). نوشتن تکنولوژی ثبت و ضبط جریان امور زندگی توسط فرد در هنگام رویارویی با آن است و برای فوکو در مدرنیته اروپایی «گرایش قطعی بین نوشتن و روایت خود» (ibid: ۲۷۷) به مثابه عملی با مقیاس‌های مدرن است.

موقعیت نوشتن برای انسان مدرن به مثابه موقعیت رسانه‌ای عمل می‌کرده است تا به واسطه و در میانه آن با خودش و با دیگری ارتباط برقرار کند؛ ارتباطی که ایده‌ها در قالب نوشتن بر روی کاغذ ذخیره می‌شوند و امکان نشر آنها فراهم می‌شود. ارتباط با خود و با دیگری شرایط تولید وضعیت گسترده را فراهم می‌کند که ایده‌ای به‌طور گسترده نشر می‌یابد و بر روی ذهن‌ها و احساسات تأثیر می‌گذارد (Tarde, 2010). زیستن با دیگری به واسطه موقعیت نوشتن شرایط شکل‌گیری ایده‌های نو و گسترش آنها برای خلق موقعیت جدید را فراهم می‌کند و ثمره آن ایجاد جنبش‌های تحول‌خواهان در وضعیت تاریخی اجتماع، فرهنگ، و سیاست است. برای

درصد پاسخ دادن به آن است. در این مقاله هدف اصلی ما دنبال کردن برآمدن موقعیتی جدید از نوشتن برای استاد علوم اجتماعی در وضعیت دیجیتال و در شبکه اجتماعی اینستاگرام است.

در ادبیات پژوهشی خارجی جوهانا کی. پی. گریسون^۱ و همکاران (۲۰۱۸) به نقش توییت کردن برای پررنگ کردن مسئله عدالت اجتماعی توسط اعضای هیئت علمی گروه‌های «کار اجتماعی» می‌پردازند. آنها نشان می‌دهند که چگونه توییت کردن سبب بالا رفتن آگاهی جمعی و زمینه‌سازی برای تغییرات اجتماعی در حوزه عدالت اجتماعی می‌شود. در پژوهشی دیگر، پژوهشگران همچنان توییت را منبعی اطلاعاتی می‌دانند که در زمینه‌های تولید، مصرف، و به اشتراک‌گذاری اطلاعات پژوهشی به کار می‌رود (Kharman Shah & Cox, 2017). اشتراک‌گذاری اطلاعات و جستجو برای آدرس‌ها نشانی از کنش پژوهشگری درون توییت است. جورج ولتسیانو هم در پژوهش اشاره می‌کند که مشارکت پژوهشگران درون توییت به مواردی از قبیل: ۱. بر ساخت هویت دیجیتالی؛ ۲. ارتباط با دانشجویان؛ ۳. برقراری ارتباطات دیگران، از جمله پژوهشگران دیگر؛ ۴. معرفی فعالیت‌هایشان در دیگر شبکه‌های اجتماعی توسط توییت دسته‌بندی می‌شود. در ادامه، جورج ولتسیانو^۲ با همکاری رویس کیمونس^۳ (۲۰۱۶) از حضور پژوهشگران در توییت به مثابه موقعیتی متفاوت برای تأثیرگذاری، نقش ساختارهای قدرت در چگونگی حضور اساتید دانشگاه در نسبت با دانشجویان، و قوام بخشیدن به هویت پژوهشگری فراتر از اصول پژوهش رسمی توجه می‌کنند. البته این پژوهش‌ها بیشتر درباره استفاده از توییت در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آمریکاست و مگنا^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان می‌دهد که ۷۹ درصد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آمریکا در سال ۲۰۰۹ اعلام کرده‌اند که تا سال بعد از آن به توییت خواهند پیوست.

در بین ادبیات پژوهشی داخلی، فقط به پژوهش بهارک محمودی (۱۴۰۰) و عباس کاظمی (۱۴۰۱) می‌توان اشاره کرد. در هر دو مقاله مسئله پیرامون شیوه‌هایی است که اساتید دانشگاه هیتشان را در اینستاگرام اجرا می‌کنند. مهم‌ترین نتیجه حضور اساتید در اینستاگرام معمولی شدن هویت اساتید دانشگاه در برابر زمان قبل از حضور در اینستاگرام است. در پژوهش بهارک محمودی مجموعه‌ای از اساتید دانشگاه نمونه مطالعاتی بودند و این پژوهش کلیت شیوه‌های بیانگری اساتید را در شبکه اجتماعی اینستاگرام نشان می‌دهد.

۲- روش پژوهش

این مقاله در پارادایم پسانسانگرایی (Hayles, 1999) است. در پارادایم پسانسانگرایی به ماهیت نیروهای غیرانسانی و تنیدگی آن با نیروهای انسان پرداخته می‌شود. نیروهای غیرانسانی قدرت عاملیت دارند و بر ظرفیت عاملیت نیروهای انسانی تأثیر می‌گذارند در عین اینکه تأثیر می‌گیرند. بنابراین، تکنولوژی دیجیتال به مثابه نیروهای غیرانسانی بر موقعیت اساتید علوم اجتماعی در مقام نیروهای انسانی تأثیر گذاشته و ظرفیت اساتید علوم اجتماعی برای ایجاد پیوند با مردم و نوشتن برای آنها را دچار تحول کرده‌اند.

با ۱۰ استاد علوم اجتماعی عضو هیئت علمی دانشگاه که در شبکه‌های اجتماعی حضور فعالی دارند مصاحبه عمیق به عمل آمد. پرسش‌ها به شیوه‌ای

۴- گذار از جایگاه شغل به جایگاه نقش روشنگر

مردمی

شغل استاد علوم اجتماعی در مقام یک عضو هیئت علمی در پژوهش و نوشتن است. موقعیت نوشتن نتیجه کار و دانش و مهارت یک استاد جامعه‌شناسی را نشان می‌دهد و تلاش برای کسب اعتبار علمی آغاز می‌شود. اما در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ (Hayles, 2021: 134) موقعیت نوشتن از جامعه برای جامعه رها از تقلا برای کسب اعتبارهای علمی، کوششی برای پیوند خوردن با انبوهی از مخاطبان متکثر است. در وضعیت دیجیتال، مخاطبان به اعتبار موقعیت علمی استاد علوم اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به او رجوع می‌کنند و متن‌های نوشتاری‌اش را دریافت می‌کنند.

موقعیت نوشتن در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ از نوع موقعیت نوشتن نشر است، زیرا پس از نوشتن با یک کلیک متن در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. موقعیت نوشتن نشر ویژگی خودمختاری را برای استاد علوم اجتماعی فراهم می‌کند تا همگام با تحولات جریان زندگی او بتواند درباره جامعه برای جامعه بنویسد و در شبکه‌های اجتماعی هم‌زمان نشر دهد. در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ، استاد اراده معطوف به نوشتن نشر را پیدا کرده است. اراده معطوف به نوشتن نشر تبدیل به رسالتی برای استاد علوم اجتماعی شده است تا نقش روشنگر مردمی را برای جامعه پیدا کند. موقعیت نوشتن از جامعه برای جامعه بدون آنکه نیازهای شغلی استاد را برای کسب اعتبارها و امتیازهای علمی تأمین کند تبدیل به موقعیتی برای ایفای رسالت روشنگری برای جامعه از سوی استاد جامعه‌شناسی شده است. در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ، دگرگون شدن موقعیت نوشتن سبب شده است تا استاد علوم اجتماعی موقعیتی تازه را برای گسترده کردن عاملیتش، در قالب نقش روشنگری مردمی، به دست آورد.

در موقعیت نوشتن نشر، استاد اراده معطوف به نوشتن نشر را پیدا کرده است و از موقعیت تاریخی شغلش برای نوشتن، در قالب یک وظیفه اداری، به نقش یک روشنگر مردمی برای نوشتن گذار کرده است. مکلوهان به چنین رابطه‌ای بین شغل و نقش به شیوه‌ای دیگر ارجاع می‌دهد. از نظر مکلوهان پس از رنسانس انسان از جهان نقش‌ها به جهان شغل‌ها گذار کرده است (McLuhan, 1962). جهان نقش‌ها به جایگاه انسان در جامعه آیینی و تنیده شدن در ارزش‌های اسطوره‌ای و متافیزیک اشاره دارد، اما جهان شغل‌ها بر اساس جایگاه انسان در سلسله‌مراتب ارزشی شغلی و اداری تعیین می‌شود و مربوط به جامعه مدرن صنعتی است. با تاسی از مکلوهان ما خوانشی دیگر را از نقش در اینجا مدنظر داریم که مرتبط با وضعیت دیجیتال و برخلاف جهان آیینی و اسطوره‌ای است. در وضعیت دیجیتال، استاد علوم اجتماعی می‌تواند موقعیت تازه‌ای از نوشتن را بیابد که خارج از موقعیت اداری شغلش برای نوشتن، در موقعیت نقش یک روشنگر مردمی و رسالتش در برابر جامعه قرار می‌گیرد. نقش روشنگری داشتن در برابر جامعه به‌واسطه ارتباطی که در شبکه‌های اجتماعی بین استاد علوم اجتماعی و مردم به وجود می‌آید موقعیتی فراتر از اشغال یک شغل آکادمیک است. استاد علوم اجتماعی در قالب جدیدی از موقعیت نوشتن نشر که برآمده از تکنولوژی دیجیتال است با انبوهی از مخاطبان متکثر پیوند می‌خورد و برای آنها از جامعه می‌نویسد و این گذار

نمونه، صنعت چاپ امکان تولید و نشر کتاب‌هایی را ایجاد کرد که به تولید آگاهی در جامعه قرون وسطی اروپا برای پدید آوردن جنبش تحول خواهان رنسانس و ورود به عرصه جدیدی از تمدن بشر منجر شدند.

از این رو، نوشتن ایده‌ها بر روی کاغذها و ذخیره کردن و نشر دادن آنها با وضعیت تاریخی و ایجاد تحول در تاریخ درگیر بوده‌اند. دریدا از مفهوم «اراده معطوف به نوشتن» (Derrida, 2001: 13) استفاده می‌کند تا تأثیر ویژگی موقعیت نوشتن را در بیدار کردن حس رغبت و انگیزش در ماهیت اراده معرفی نماید. اراده به نوشتن برای آزاد کردن ماهیت‌هایی است که زیر عادت‌واره‌های تاریخی و جریان امتداد وضعیت تاریخی (طاهری کیا، ۱۴۰۰) مدفون شده‌اند. اراده معطوف به نوشتن برای آزاد کردن ایده‌های گفته‌شده و گفته نشده‌ای است که می‌توان آنها را ذخیره کرد و انتقال داد. اراده معطوف به نوشتن موقعیتی هستی‌شناختی است که نویسنده درباره ایده‌هایش در هنگام نوشتن دوباره می‌اندیشید و تمرینی برای تولید خود است که نمونه‌های آن از نوشتن درون دفترچه‌های یادداشت آغاز شد: «دفترچه‌های یادداشت که در خودشان تمرین‌های نوشتاری شخصی را جای می‌دهند می‌توانند به‌مثابه ... متن‌هایی که برای دیگران فرستاده می‌شوند، استفاده شوند» (Foucault, 1997: 214).

بنابراین، اراده معطوف به نوشتن در پیوند با اراده معطوف به قدرت برای ایجاد تغییر در وضعیت تاریخی است (Deleuze, 2002: 36). اراده معطوف به نوشتن می‌تواند بر ایده‌های یک سرزمین تأثیر بگذارد و وضعیت تاریخی آن را دچار تحول کند. از این رو، وقتی نیروهای شکل‌دهنده موقعیت نوشتن از کاغذ و قلم به صفحات نمایش و کیبوردها گذار می‌کنند آنگاه اراده معطوف به نوشتن هم متحول می‌شود. گذار از نوشتن در قالب دست‌نوشته به نوشتن در شکل چاپ و عبور از چاپ به توسعه نظام‌های ارتباطی مانند تلفن، تلویزیون، و وب ۲ به‌طور اساسی مایه تغییر «روابط ساختاری انسان در میان جغرافی‌ها» (Barker, 2012: 9) شده‌اند. روابط انسانی در جغرافیای یک سرزمین تحت تأثیر اراده‌های معطوف به نوشتن و با تولید و نشر ایده‌ها و گذاشتن تأثیر بر دیگری باهدف ایجاد تغییر در وضعیت تاریخی همراه هستند.

بدین‌سان، در وضعیت دیجیتال شکلی بسیار متفاوت از موقعیت نوشتن ظهور کرده و موجب به تکرر و فراوانی اراده‌های معطوف به نوشتن شده است. نوشتن در وضعیت دیجیتال به ظهور و نشر تکرری از شدت نوشتن درباره زندگی روزمره منجر شده است که با شدت بسیاری ایده‌ها را تولید می‌کنند و در چرخش قرار می‌دهند. جامعه شبکه‌ای به‌جای سرزمین قرار گرفته است (Brighenti & Karrholm, 2020: 49)، زیرا اگر در دوره آنالوگ نوشته‌ها بر روی کاغذها و با قلم‌ها پیاده می‌شدند در وضعیت دیجیتال نوشته‌ها بر روی صفحات نمایشی که به‌مثابه درگاهی برای ورود به شبکه‌ای از روابط عمل می‌کنند نوشته می‌شوند. پس با تولید موقعیت‌های متفاوتی از نوشتن شکل‌های متفاوتی از نویسندگان به وجود آمده‌اند که در وضعیت دیجیتال متن نوشتار را تولید می‌کنند.

کرد اینها را یک مقدار با حفظ آن فرهیختگی، ساده‌تر کرد. (استاد شماره ۵)

موقعیت نوشتن تجسمی و سریع از یکجایی به بعد فقط برای ثبت وقایع نیست بلکه برای کشف وقایع است. کشف رخداد در فرایند نوشتن یعنی نوشتن به میدانی تبدیل می‌شود که نویسنده را به پژوهیدن و جستجو کردن وامی‌دارد. پژوهیدن در مفهوم فهم و دریافت چیزی است که در حال ظاهر شدن در دامنه احساسات و افکار نویسنده است. دامنه احساسات میدانی است که رخدادهای قابل دریافت می‌شوند، زیرا «رخداد خودش حس است» (Deleuze, 1990) و ساختار شیمیایی مغز را برای اندیشیدن فعال می‌کند. در وضعیت دیجیتال، موقعیت‌های رویارویی استاد علوم اجتماعی با فضا زمان اکنون موجب باردار شدن احساسات و افکار او از ایده‌هایی می‌شوند که از پیوند با تکنولوژی‌های ارتباطی دیجیتال شکل گرفته‌اند.

در وضعیت دیجیتال تکنولوژی‌های ارتباطی موقعیت نوشتن را با ویژگی‌های در زمانی و هم‌زمانی تولید می‌کنند. در وضعیت دیجیتال پدیده‌ها می‌توانند در زمان حال و هم‌زمان با رخدادهای دریافت‌هایی که دارند اطلاعات تولید کنند و نوشتن یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تولید اطلاعات و به‌روز کردن خود است؛ در حالیکه نوشتارهای پیشادیتالی در دفترچه‌های یادداشت نوشته و بایگانی می‌شدند تا روزی خود نگارنده یا شخصی از نزدیکان به آن دفترچه دست پیدا و آن را مرور کند. در نوشتارهای دیجیتالی متن نوشتاری به همان میزان که بایگانی می‌شود به‌طور هم‌زمان توسط موقعیت‌های دیگر دریافت می‌شود. بنابراین موقعیت نوشتن دیجیتالی‌زده شده را باید شیوه‌ای از بایگانی احساسات و ایده‌های خود در نزد همگان دانست.

همچنین، موقعیت ایده‌سازی و نوشتن سریع درباره آن، نظام ارزشی جدید و متفاوتی در نسبت با نظام اعتباربخشی تاریخی سامانه دانشگاه بر نوشتار آکادمیک هستند. اگر در وضعیت دیجیتال شکل متفاوتی از نوشتن نمایش داده می‌شود، پس ما هم می‌توانیم ایده‌های متفاوتی را به نگارش درآوریم و تولید آگاهی کنیم (Thrift, 2004: 184). استاد علوم اجتماعی در وضعیت دیجیتال و به‌واسطه موقعیت‌های نوشتن‌نشر یا نوشتن تجسمی و سریع می‌تواند از جامعه برای جامعه سخن بگوید و با جامعه‌ای که او را می‌خواند، مواجه شود. مواجهه با جامعه در شبکه ارتباطی دیجیتال با تبدیل شدن ماهیت شغل اداری استاد علوم اجتماعی به نقش یک روشنگر مردمی در پیوند است، در حالیکه استاد علوم اجتماعی در شغل اداری جامعه‌شناس بودن می‌تواند نقش یک روشنگر مردمی را به‌مثابه رسالت بر عهده بگیرد. استاد علوم اجتماعی در نقش روشنگر مردمی دارای مخاطبان انبوه و متکثر است.

نوشتن در وضعیت دیجیتال با شکلی از انتزاع مخاطبان همراه است، زیرا موقعیت و نوع مخاطبان مشخص نیست و در ابهام حضور دارند. نوشتن از وضعیت اکنون جامعه برای کلیتی از مخاطبان که تصویری مبهم از آنها برای استاد علوم اجتماعی وجود دارد موقعیتی منحصر به فرد را برای ایجاد تأثیر بر جمعیت دریافت‌کنندگان انبوه و متکثر فراهم می‌آورد. اینکه استاد علوم اجتماعی می‌تواند صفحه‌ای را برای جمعیتی از مخاطبان انبوه و متکثر باز کند و در آن اطلاعاتی را به‌منظور ایجاد تجسمی جامعه‌شناسانه از وضعیت جامعه ایجاد کند حاکی از شیوه‌ای تکین در تولید آگاهی است. تولید آگاهی برآمده از

استاد علوم اجتماعی از جایگاه شغل اداری به جایگاه نقش روشنگر مردمی است.

• در کووید ۱۹ ما داشتیم سخنرانی‌هایی که می‌کردیم. اینجا هم عرصه عمومی است. بعد اینجا یک سؤال‌هایی می‌کنند که ذهن من را دامن می‌زند که یک خلاقیت‌هایی در ذهن من اتفاق بیفتد. یک‌وقتی سعی می‌کنم با جامعه طرح بحث یک‌جوری باشد که برای جامعه قابل فهم بشود. کم‌کم خلاقیت‌های زبانی برای من اتفاق می‌افتد، وقتی فکر تلاش می‌کنم، فکر پیچیده مباحث نظری را در زبان عمومی‌تری با دیگران بیان بکنم باز یک خلاقیت‌های ارتباطی ایجاد می‌شود و یک خلاقیت‌های زبانی، خلاقیت‌های ارتباطی، یک خلاقیت‌های دیگری که می‌توانم بهش بگویم خلاقیت‌های مسئله‌مندی، خلاقیت‌های حل مسئله‌ای، خلاقیت‌های مسئله‌مند، به این معنی که من وقتی مورد پرسش قرار می‌گیرم سؤال‌هایی از من می‌کنند، از طریق شبکه‌های عمومی این داستان بیشتر می‌شود، بعد من ممکن است ۶۰ نفر، ۵۰ نفر شرکت بکنند اما وقتی می‌آید در اینترنت و اینها دیگر اینترنت مثل یک قاره ششم و یک عالم دیگر است. (استاد شماره ۳)

اگر چیزی تولید می‌شود و چرخش پیدا می‌کند باید دارای اعتبار باشد که توجه و انگیزه و میل را برای تولید و مصرف آن برانگیخته کند. از این‌رو، وقتی استاد علوم اجتماعی موقعیت جدیدی از نوشتن را پیدا می‌کند که در مقیاسی گسترده مصرف و چرخش می‌یابد پس اعتبار جدیدی وارد میدان علوم اجتماعی شده است که از نوع اعتبار علمی نیست، بلکه این اعتبار جدید در تنیدگی با مخاطبان انبوه متکثری است که با دریافت نوشتارها از سوی استاد علوم اجتماعی امکان تخیل و تجسم درباره زندگی اجتماعی برای آنها فراهم می‌شود. بنابراین، اعتبار نوشتار تجسمی و سریع از مخاطبان انبوه و متکثری به دست می‌آید که آن نوشتار را مصرف می‌کنند و به چرخش درمی‌آورند.

• من یک مطلبی که در تلگرام می‌نویسم اول اینکه ده روز با آن درگیرم و نکته دیگر این است که برای من گاهی حکم یک اثر هنری را دارد. یعنی اینکه من می‌نشینم بارها و بارها با صدای بلند برای خودم این مطلب را می‌خوانم و حتی موزون بودن کلمات را چک می‌کنم. یعنی کلمات سکنه‌های عجیب و غریب یا مکث‌های عجیب و غریب نداشته باشد. یک حالتی باشد که روان باشد جمله. یا معیار دیگر من این است که شاید شاخص سخت باشد ولی می‌گویم این متن باید متین باشد. متنی که من در تلگرام می‌گذارم باید متین باشد یعنی نشانه‌هایی از فرهیختگی در این متن دیده بشود و ببینید اینها سخت است که من بگویم منظورم چی هست. اینکه من می‌گویم متن باید فرهیخته باشد منظور من این است که مثلاً من دوست ندارم کسی مطلب من را خواند بگوید این خیلی ژورنالیستی دم‌دستی است. منظورم از فرهیختگی این است که یک سنگینی و متانتی در این متن باشد و در عین حال کسی که می‌خواند بتواند منظور من را متوجه بشود و متن را پیچیده نبیند. فکر نکن این متن پیچیده‌ای هست. حالا بعضی از دوستان من دیدم بعضاً می‌نویسند حالا متنی که مخاطبش عام است ولی مثلاً هگل را در آن آورده توضیح داده. من احساس می‌کنم شاید مدیایی مثل تلگرام اگر هدف آدم پابلیک باشد یک کمی باید تلاش

مشترکی دوباره ایجاد کنی و این یک ظرافتی می‌خواهد که آن نوشتار را بتوانی هم از مایه و محتوای علمی تهی نباشد ولی این از یک سوی دیگر با کدبندی و مفاهیم مشترک بین‌الذهانی بین خودت و یک مخاطب بسیار متنوعی از طیف متنوعی دوباره این را ری آرگنایز [دوباره بازسازی] کنی. دوباره استراکچر بهش بدهی. این هم یک روایتگری ویژه‌ای می‌خواهد و هم توان دیدن آن پدیده و توان تحلیل آکادمیکش را می‌خواهد. (استاد شماره ۷)

دانش زمینه‌مند در تنیدگی با رخدادها و خرده رخدادهای جاری در زندگی روزمره است که وقتی دانشمند علوم اجتماعی درباره آنها در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسد، برای خودش، ایفای نقش روشنگر را در برابر مردم می‌بیند. دانشمند علوم اجتماعی در زمینه چستی‌ها، چرایی‌ها، و چگونگی‌های آنچه در وضعیت اکنون جامعه جاری است برای مخاطبان انبوه و متکثر می‌نویسد. پس موقعیت نوشتن‌نشر در شبکه‌های اجتماعی به ایجاد مفاهیمی نیاز دارد تا بین دانشمند علوم اجتماعی و مردم ادراکی از وضعیت اکنون را به وجود آورد. به سخنی، نقش دانشمند علوم اجتماعی به‌واسطه موقعیت نوشتن‌نشر در ایجاد حرکت و دامن زدن و تحریک کردن قدرت ادارک مردم برای فهم وضعیت اکنون جامعه است.

- رفته‌رفته انگار یک عادت شده که من روزی یک مطلب بنویسم و یک پست بگذارم. بنابراین من نوشتن را دوست دارم و راجع به یک موضوعی می‌نویسم و چون باید بدون اشکال باشد حتماً روی آن فکر می‌کنم. یعنی مثلاً فکر می‌کنم هر پستی بین ۵ تا ۲۰ دقیقه ممکن است وقت مرا بگیرد. ولی این کار را انجام می‌دهم و رویش فکر می‌کنم. خب این باعث شده که شما تنوع داشته باشید و بعد در درس‌هایی هم که می‌دهی با توجه به موضوع درس شما به پست‌های خودت هم ارجاع بدهی و بگویی مثلاً من راجع به فلان موضوع فلان مطلب را نوشتم. یا حتی دانشجویایی که دنبال می‌کنند، البته من هیچ وقت نگفتم که بروند و مثلاً صفحات من را دنبال کنند یعنی تبلیغ نکردم چون این کار را درست نمی‌دانم، ولی خب آنهایی که خوانده‌اند راجع به یک پست سر کلاس صحبت هم می‌شود یا حتی بحث‌هایی که ممکن است در جلسات یا کلاس‌ها من داشته باشم یک نکته‌ای ذهنم را مشغول کند و بعد بگویم بروم راجع به آن یک پست بگذارم و یا در توئیتر یک چیزی بنویسم. (استاد شماره ۱)

عبارت «یک چیزی نوشتن» در شبکه‌های اجتماعی اشاره به اراده معطوف به نوشتن‌نشر اشاره دارد. اراده معطوف به نوشتن‌نشر یک چیزی برآمده از زیستن دانشمند علوم اجتماعی در وضعیت دیجیتال است. دسترسی به اینترنت به گسترش نوشتن و پیوند خوردن با جریان زندگی روزمره و رخدادها آن است. ابزارهای دستیابی به اینترنت امکان ورود به «جهان‌های دیجیتالی» (Zhao et al., 2023) و تبدیل جهان به فایل‌های صوتی، تصویری، و نوشتاری است. دانشمند علوم اجتماعی در موقعیت جدید نوشتن به‌واسطه تکنولوژی دیجیتال نقش تبدیل‌کننده رخدادها به فایل‌های نوشتاری آگاهی بخش را دارد که درباره وضعیت اکنون زندگی اجتماعی دانش تولید می‌کند.

یافتن امکان نوشتن تجسمی و سریع از رخدادها و مسائل و اشتراک‌گذاری آنهاست. وقتی در وضعیت دیجیتال، نوشتن درباره ایده‌ها و احساسات برآمده از رویارویی با جریان‌ها و رخدادهای زندگی و نشر سریع آنها به‌طور گسترده ممکن شده است پس باید زیستن در عصر دیجیتال را، برای استاد علوم اجتماعی وقتی نقش یک روشنگر مردمی را باز می‌کند، زیستی گرم و در تکاپو دانست. زیستن گرم و در تکاپو به‌واسطه نوشتن خارج از اصول کلان نوشتار آکادمیک برای استاد علوم اجتماعی به تجربه در می‌آید.

- آن چیزی که اینجاست [صفحات شبکه‌های اجتماعی] داستان اصلی نیست یا بازی بزرگ علوم اجتماعی یا لیگ برتر علوم اجتماعی نیست. این دست‌گرمی علوم اجتماعی است. این خطرناک است که ما اینجا را با اصل اشتباه بگیریم. یعنی ما نمی‌توانیم. ببینید من می‌گویم سطح اعتبار خودش را دارد اما نمی‌تواند اعتبار کل را هم به دست بیاورد. بازی که در اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی هست بازی کوتاه است. یعنی شما می‌توانی یک اشتراک‌گذاری بدهی سرنخ بدهی دانشجویها از آن طریق ببینند دنبال و چیزهای دیگر ولی نمی‌توانی آن را مبنای این قرار بدهی که کل بازی همین است. یعنی دو خطا را ایجاد می‌کند برای مخاطب اینکه داستان علوم اجتماعی همین است و برای تو که کل بازی همین جا تعریف می‌شود. در حالیکه اینجا مسابقه محله است. (استاد شماره ۶)

به تعبیر دانشمند علوم اجتماعی، در نقل قول بالا، نوشتن آکادمیک بازی کلان دانش علوم اجتماعی است که متن معتبر علمی را تولید می‌کند. نوشتن آکادمیک بازی بلند مدتی است که سعی دارد در هنگام واکاوی مسئله اجتماعی پارادایم‌ها، مفاهیم، و نظریه‌های اجتماعی را نقد کند و توسعه دهد. این حد کلان نوشتن آکادمیک است. اما مسئله بر سر مقایسه نوشتن آکادمیک و نوشتن در شبکه‌های اجتماعی است، زیرا این دو در زمینه‌های متفاوت تولید می‌شوند. نوشتن آکادمیک اگرچه در شرایط وضعیت جامعه انجام می‌شود اما وضعیت میدان علم-پارادایم‌ها، مفاهیم، و نظریه‌ها- در خلق نوشتار آکادمیک نقش مهمی را بازی می‌کند. در حالیکه نوشتن در شبکه‌های اجتماعی را باید تولید «دانش زمینه‌مند» (Haraway, 1988) برای مخاطب انبوه و متکثر دانست.

دانش زمینه‌مند درباره موقعیتی از نوشتن است که دانشمند علوم اجتماعی، مبتنی بر تاریخ علمی‌اش، همگام با رخدادها و مسائل اجتماعی درباره آنها می‌نویسد و آن را برای مخاطبان انبوه و متکثر نشر می‌دهد. چنین موقعیتی از نوشتن به جایگاه نقش دانشمند علوم اجتماعی در برابر مردم پیوند می‌خورد و نه نوشتاری که در جایگاه شغلی آکادمیک الزام اداری پیدا می‌کند. بنابراین اگر نوشتار آکادمیک تلاشی برای گسترش دانش علوم اجتماعی و بررسی علمی مسائل اجتماعی است، موقعیت نوشتن‌نشر در شبکه‌های اجتماعی کوششی برای گسترش دانش زمینه‌مند درباره مسائل و رخدادها روز در ازای رسیدن به دست مخاطبان انبوه و متکثر است.

- نوشتار آکادمیک را یک نوشتار کدبندی‌شده براساس قراردادهای بین-الذهانی خود متخصصان حرفه‌ای یک اجتماع علمی می‌دانیم ولی در فضای مجازی این باعث می‌شود که شما کدها را بگذارید کنار و یک نوع توافقات بین‌الذهانی بین خودت و مخاطب با یک مفاهیم

جریان‌ها و رخدادهای اکنون زندگی است و ما آنها را موقعیت نوشتن تجسمی و سریع نامیدیم. در وضعیت دیجیتال استاد علوم اجتماعی در نقش روشنگر مردمی دارای اراده معطوف به نوشتن نشر است، زیرا در دوران پساچاپ نویسنده می‌تواند پس از نوشتن بلافاصله دکمه نشر را کلیک کند.

برای ایران در وضعیت دیجیتال، نوشتن از جامعه برای جامعه گامی متفاوت و رادیکال در برابر گام‌هایی است که تاریخ روشنفکری ایران برای ایجاد تغییر در آگاهی مردم برداشته است. پدید آمدن روزنامه‌ها در عصر مشروطیت به همراه تکنولوژی تلگراف دو موقعیت مبتنی بر نوشتار بودند که در پیشبرد جنبش مشروطیت و برانگیختن جنبش‌های اجتماعی و سیاسی تأثیر بسزایی داشتند. روشنفکران به‌واسطه نوشتن در روزنامه‌ها در تکاپو برای آفریدن تغییر در وضعیت تاریخی آگاهی مردم عصر مشروطیت بودند.

اما نوشتن در وضعیت دیجیتال برای دانشمند علوم اجتماعی با اختلاف بسیار با تکثیر نوشتار در تاریخ روشنفکری ایران با قصد آگاهی دادن به مردم قرار دارد. دانشمند علوم اجتماعی با نوشتن در شبکه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم درون مردم و در پیوند با مخاطب است. دانشمند علوم اجتماعی آنچه را ضروری می‌داند منتشر می‌کند و این به پر رنگ شدن نقش روشنگرانه او اضافه می‌گردد، زیرا حال که قدرت تولید و نشر روشنگری، هر دو، در دستان دانشمند علوم اجتماعی جای گرفته است پس امتناع از نوشتن از جامعه برای جامعه به زیر سؤال رفتن نقش روشنگری را موجب می‌شود.

پژوهشی درباره زیست دیجیتال اساتید ایرانی به غیر از دو اثر محمودی و کاظمی که در پیشینه پژوهش به آن اشاره شد انجام نشده است. علاوه بر این، پژوهشی در داخل یا خارج ایران که پدیده نوشتن را در وضعیت دیجیتال برای اساتید دانشگاه و علوم اجتماعی مطالعه کرده باشند، تا به زمان نگارش این مقاله، به دست نیامد. در نتیجه این مقاله با هدف قرار دادن پدیده نوشتن برای اساتید علوم اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی سعی کرد تا موقعیت جدید نوشتن را در شرایط پیچیده از روابط شغلی و اداری تا پیوند با جامعه و پیدا کردن نقش روشنگری برای مردم بررسی نماید.

زیستن در وضعیت دیجیتال موجب به‌دگرگونی در ماهیت ارزش‌های تاریخی شده است. تا پیش از وضعیت دیجیتال برای دانشمند علوم اجتماعی نوشتن در چنبره ارزش‌های آکادمیک قرار داشت و اگر فرصتی می‌شد ستونی در روزنامه‌ها به بیان ایده‌ها از دانشمند علوم اجتماعی اختصاص می‌یافت. اما در وضعیت دیجیتال ارزش جدیدی از نوشتن برای دانشمند علوم اجتماعی ایجاد شده است که فارغ از ارزش‌های نوشتن آکادمیک به موقعیت نوشتن سریع و تجسمی در عین خودمختاری برای نشر آن در برابر جامعه منتهی شده است. تحت ارزش‌های جدید موقعیت نوشتن در وضعیت دیجیتال شرایط برآمدن نقشی روشنگرانه برای دانشمند علمی در کنار شغل آکادمیک و اداری او به میان آمده است.

مراجع

- [۱] کاظمی، عباس، "برآمدن اینفلوئنسرهای دانشگاهی در ایران"، پژوهش مسائل اجتماعی ایران، ۴، ۳۳-۱، تهران، ۱۴۰۱.
- [۲] طاهری کیا، حامد، نظام دانش در وضعیت دیجیتال، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۴۰۰.

دستیابی به منابع رسانه جنبه‌ای اساسی از شهروندی در عصر دیجیتال است. همچنین، امروزه آگاه شدن، آگاه کردن، ارتباط برقرار کردن، سازماندهی و حرکت دادن، و جنبش‌های اجتماعی توانایی‌های دیجیتالی نیاز دارند که شامل حضور مشهود بر پلتفرم‌های رسانه‌ای است. (4: Gurumurthy, 2018)

دانشمند علوم اجتماعی در عوض گذار از شغل اداری به نقش اجتماعی، به‌واسطه نوشتن از جامعه برای آگاه کردن جامعه، ضرورت حضور بر پلتفرم‌های رسانه‌ای را پیدا کرده است. بر این پلتفرم‌ها دانشمند علوم اجتماعی هرچه بیشتر به رسانه‌ای بین نوشتن برای آکادمی و نوشتن برای مردم تبدیل شده است. نوشتن برای آکادمی برای علوم اجتماعی اعتبار اداری را رقم می‌زند و نوشتن برای مردم اعتبار کسب نقش روشنگری را ایجاد می‌کند. وضعیت دیجیتال برای دانشمند علوم اجتماعی این امکان را فراهم آورده است تا به گونه‌ای گسترده قدرت دست‌یابی به نقش روشنگر مردمی را به دست آورد.

۵- نتیجه‌گیری

موقعیت نوشتن یک دستاورد تاریخی است. لوری-گورهان^۵ (۱۹۹۳) معتقد است که وقتی دست بشر از روی زمین جدا و فیزیک بدنش راست‌قامت شد امکان تغییر در ساختار فک و دهان حاصل شد و مجموع این عوامل به پیدایش زبان و ساخت ابزار منجر شد (۱۹). پیدایش نوشتار را باید در این مقطع تاریخی و برآیندی از این تغییرات در نظر گرفت. موقعیت نوشتن شیوه‌ای برای پیاده و ثبت کردن احساسات و ایده‌ها به‌واسطه ابزار کاغذ و قلم بوده است که به دفترچه‌های خاطره‌نویسی و صنعت چاپ منجر شد. علاوه بر این، دانش امکان یافت تا به‌واسطه نوشته شدن انباشت شود و شکل‌گیری آموزش و پرورش را فراهم سازد.

هدف ما در این مقاله این بود که موقعیت نوشتن را در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ در نسبت با موقعیت استاد علوم اجتماعی واکاوی کنیم. استاد علوم اجتماعی عضو هیئت‌علمی دانشگاه بنا بر ضرورت شغل اداری‌اش باید نوشتارهای آکادمیک را با اعتبارهای علمی و چارچوب‌های مشخص که مخاطبان متخصصی دارند تولید کند. نوشتار آکادمیک برخاسته از موقعیت شغلی استاد علوم اجتماعی است. اما در وضعیت دیجیتال و به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی شکلی متفاوت از موقعیت نوشتن به وجود آمده است که نویسنده می‌تواند پس از تولید نوشتار به‌سرعت آن را نشر دهد. ما موقعیت نوشتن نشر را ویژگی جدید و متفاوت موقعیت نوشتن در وضعیت دیجیتال و پساچاپ معرفی کردیم. در موقعیت نوشتن نشر استاد علوم اجتماعی جدا از شغلش برای تولید نوشتارهای آکادمیک می‌تواند نقش روشنگر مردمی را پیدا می‌کند.

موقعیت نوشتن روشنگرانه در وضعیت دیجیتال و دوران پساچاپ امکان گذار استاد علوم اجتماعی از انحصار موقعیت نوشتن برای شغلش به‌سوی نوشتن برای ایفای نقش روشنگرانه مردمی‌اش را فراهم آورده است. نوشتارهای روشنگرانه برای مخاطبان انبوه و متکثر امکان ایجاد آگاهی و تخیل جامعه‌شناسانه را از وضعیت جامعه فراهم می‌کنند. نوشتارهای روشنگرانه برآمده از واکنش سریع استاد علوم اجتماعی در رویارویی با

- [26] Veletsianos, G., & Kimmons, R., "Scholars in An increasingly open and digital world: How do education professors and students use Twitter?", *The Internet and Higher Education*, Vol. 30, pp. 1-10, 2016.
- [27] Zhao, P., Lester, J. N., & Paulus, T., "Digital Worlds and Our Folding Realities: Implications for Qualitative Inquiry", *Qualitative Inquiry*, Vol. 0, 2023.

زیر نویس ها

-
- ¹ Greeson
² George Veletsianos
³ Royce Kimmons
⁴ Magna
⁵ Leroi-Gourhan

[۳] محمودی، بهارک، مطالعه شیوه اجرای هویت اعضای هیئت علمی دانشگاه در صفحات اینستاگرام، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۴۰۰.

- [4] Barker, T., "Michel Serres and the Philosophy of Technology", *Theory, Culture & Society*, Vol.0, pp. 1-16, 2023.
- [5] Derrida, J., *Writing and Difference*, Routledge, 2001.
- [6] Deleuze, G., *The logic of sense*, The Athlone Press, 1990.
- [7] Deleuze, G., *Nietzsche and Philosophy*, Continuum, 2002.
- [8] Frankel, David S., *Model Driven Architecture: Applying MDA to Enterprise Computing*, OMG Press, Wiley Publishing, 2003.
- [9] Foucault, M., *Ethics, subjectivity and truth*, The New Press, 1997.
- [10] Greeson, J. K. P., An, S., Xue, J., Thompson, A. E., & Guo, C., "Tweeting Social Justice: How Social Work Faculty Use Twitter", *British Journal of Social Work*, Vol. 48, pp. 2038-2057, 2018.
- [11] Gurumurthy, A., "Where is the 'struggle' in communications for social progress?" *Global Media and Communication*, Vol. 14, pp. 1-8, 2018.
- [12] Hayles, N. K., *How we became posthuman*, The University of Chicago Press, 1999.
- [13] Hayles, N. K., *Postprint books and becoming computational*, Columbia University Press, 2021.
- [14] Haraway, D., "Situated Knowledges: The Science Question in Feminism and the Privilege of Partial Perspective", *Feminist Studies*, Vol. 14, pp. 575-599, 1988.
- [15] Kharman Shah, N. A.; & Cox, A. M., "Uncovering the scholarly use of Twitter in the academia: Experiences in a British University", *Malaysian Journal of Library & Information Science*, Vol. 22, pp. 93-10, 2017.
- [16] Leroi-Gourhan, A., *Gesture and Speech*, MA: MIT Press, 1993.
- [17] McLuhan, M., *The Gutenberg Galaxy: The Making of Typographic Man*, University of Toronto Press, 1962.
- [18] Magna, *Twitter in higher education: Usage habits and trends of today's college faculty*, Faculty Focus. Available at http://www.facultyfocus.com/wp-content/uploads/images/twittersurvey_facultyfocus.pdf, 2009
- [19] Mubi Brighenti, A., & Karrholm, M., *ANIMATED LANDS Studies in Territoriality*, University of Nebraska Press, 2020.
- [20] Plamondon, R., Lorette, G., "Automatic Signature Verification and Writer Identification - The State of the Art", *Pattern Recognition*, Vol. 22, pp. 107-131, 1989.
- [21] Shah, N. A. K., & Cox, A. M., "Uncovering the scholarly use of Twitter in the academia: Experiences in a British University", *Malaysian Journal of Library & Information Science*, Vol. 22, pp. 93-108, 2017.
- [22] Thrift, N., Remembering the technological unconscious by foregrounding knowledges of position. *Environment and Planning D: Society and Space*, Vol. 22, pp. 175-190, 2014.
- [23] Tarde, G., *On communication and social influence, selected paper*, The University of Chicago Press, 2010.
- [24] Veletsianos, G., "Higher education scholars' participation and practices on Twitter", *Journal of Computer Assisted Learning*, Vol. 24, pp. 336-349, 2011.